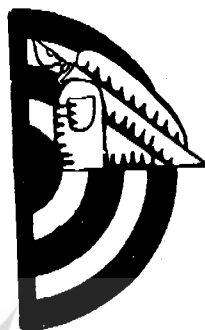


از باب مقدمه

طایفه‌ی سادات عربشاهی از خاندانهای کهن و مورد احترام خراسان بوده‌اند و اعضاء این خاندان بهنگام حکومت سرداران بوزارت و صدارت رسیده‌چنان که فصیح‌خوafi در گزارش رویدادهای سال ۸۱۳ هـ خیر سر نیست شدن یکتن از این خاندان را بدین گونه یاد آور می‌شود : «مهدوم شدن مرتضی مرحوم و مجتبی‌ی مظلوم امیر سید نظام الدین یحیی بن عربشاه سبزواری که مرتضی اعظم سید فخرالدین محمد وزیر ریب او بود و پسر او بهرات و او مردی زاهد و متدین بود و اما شیعی مذهب بود و وزارت خواجه علی مؤید نیز کرده بود» (تاریخ مجمل ، ج ۳ ، ص ۲۰۱) و همین مؤلف در وقایع ۷۰۹ نیز از مهرتضی مرحوم سید نظام الدین عربشاه بن سید محمود شاه سبزواری یاد کرده (همانجا ، ص ۱۷) مؤلف حبیب السیر نیز از سید کمال الدین عربشاه سبزواری ذکر ی بمیان آورده است (جزء ۳ از ج ۳ ص ۳۳۰) دکتر قاسم غنی که خود از خاندان عربشاهی است در خاطر ایش بتفصیل از این طایفه سخن رانده است که اکنون عیناً یاد آورده می‌شود .

سید حسن امین



سادات
عربشاهی

آقا میرزا علی اکبر عربشاهی از سادات معروف عربشاهی است که با من هم فامیل محسوب بود، زیرا این خانواده سادات در سبزوار همه عربشاهی و از يك خانواده اند و او زنی داشت و يك دختر و دو پسر به نام سید علی و میرزا آقا، که همه را خوب بخاطر دارم.

آقا میرزا علی اکبر، سید خیلی مسنی بود و بهمین مناسبت تولیت امامزاده یحیی که مرحوم عربشاه - که در قرن ۸۹۷ می زیسته و در مجمل فصیح خوافی ذکر و سال و وفات او را دیده ام در آن مدفون است. این خانواده که سادات حسینی هستند تقریباً صد خانواده در سبزوار و در اطراف شهر دارند یا شاید بیشتر. و همیشه با هم متحد و يك جهت بوده اند. به این معنی که ولو در بین خود مناقشاتی داشته باشند همین که پای اجنبی بمیان آید کاملاً و تا پای جان با یکدیگر متحد بودند. همیشه يك نفر سمت ریاست خانواده را داشت که سایرین مطیع او بودند. از طرف دیگر باید دانست که سادات در ایران و بخصوص در خراسان فوق العاده صاحب نفوذ و مقتدر بودند و سبزوار در شهرهای ایران تخصیص دارد و آن این است که این شهر مانند چند شهر دیگر از اوایل اسلام اکثریت قریب با اتفاق ساکنان آن شیعه اثنی عشری بوده اند یعنی در همان اوقات که اکثریت با اهل تسنن بوده این شهرها از مراکز شیعه بشمار می رفته است و آن چند شهر عبارتند از ساوه، قم، گرگان (استرآباد) و سبزوار بهر حال این شهر از مراکز مهم شیعه بوده و سادات سبزواری مخصوصاً این خانواده سادات عربشاهی همیشه به نفوذ کلی و احترام خاص ممتاز بوده اند.

سادات عربشاهی سبزوار يك نوع سفاخره و غرور خاصی داشتند که همه جا بدین سمت معروف باشند حتی آنهایی که از طرف مادر عربشاهی بودند خود اصرار داشتند عربشاهی معروف باشند. غالباً مردم در معرفی آنها قید میکردند که مثلاً او عربشاهی خالص نیست پدرش عربشاهی نیست، مادرش عربشاهی است از جمله يك نفر بود در سبزوار بنام نظام العلماء (۱) همیشه این مراقبه را داشت

(۱) سید جعفر فرزند سید محمد بن سید جعفر زاهد سبزواری که از طرف مظفر الدین شاه «نظام العلماء» لقب یافته بود از برادران مرحوم سید حسن امین الشریعه، در شعر و ادب و عرفان، ممتاز بود. در اوائل مشروطیت، چند

بهر حال افتخار بزرگی در محل محسوب بود . علماء و حکام و مأمورین دولت و متنفذین ، همیشه خود را بسادات عربشاهی می بستند و حمایت آنها را طالب بوده اند . مخالفت این خانواده با اتحاد کلی که داشتند با حاکم یا مجتهد یا هر کس سبب خذلان او بود . مردم شهر هم به این سادات زیاده احترام می گذاشتند ، از آنها شنوائی داشتند ، و اگر سادات ، اجتماعی می کردند گروه زیادی از مردم دور آنها جمع می شدند و صاحبان مقام شهر ، به سادات کمک می کردند زیرا بنوبه خود در پیش آمد دیگری ، از آنها انتظار مساعدت و حمایت داشتند .

در زمان طفولیت من شاهد بعضی از این اجتماعات بودم . کمتر فرقه‌یی را دیده‌ام که تا این درجه با هم متحد باشند . اگر یکوقت بگوچکترین فرد این خانواده یا یک نفر منتسب به آنها یا قوم و خویش از راه وصلت به آنها ، یا یک نفر که تحت الحما به آنها بود ، آسیبی می رسید ، تمام این



سالی ریاست اوقاف سبزوار را برعهده داشت . در اواخر عمر که مصادف با حکومت پهلوی بودی بکلی از اجتماع کناره گرفت و از شهر سبزوار بیکی از مزارع ملکی خود موسوم به اسماعیل رفت تا عاقبت به سال ۱۳۱۸ خورشیدی در همانجا زندگانی را وداع کرد محمدعلی فتی در ثناء او ساخته است :

عارف پاکدمی پاکدلسی پاک سرشت

به سرای ابدی رفت از این تیره منگاک

آن که بود از ره اخلاص ، علی را پیرو

آن که بود از دل و جان ، بنده شاه لولاک

بشریعت ، بطریقت ، به حقیقت پایید

سالکی و اصل حق ، در ره عرفان چالاک

گفت با شوق و شرف دعوت حق را لبیک

در همان دم که شنیده ارجعی ، آن عارف پاک

رخت از این عالم فانی به جنان برد نظام

هشت در خاک تن و برد روان بر افلاک

سپید و هیچده از سال هزار افزون بود

که شد آن گوهر تا بنده نهان در دل خاک

سید حسین امین

خانواده از خرد و بزرگ و منتسبین به آنها و محلات شهر که تحت حمایت آنها بودند در طرفه العین دورهم جمع میشدند و نظام غریبی داشتند . کسی که رئیس خانواده بود ، او امرش مثل اوامر آسمانی بود . تقدم سنی بسیار مهم بود و سنت مهمی شمرده می شد . تا مقارن حکومت رضاشاه پهلوی سادات عربشاهی يك نوع حیثیت ایلی و نفوذ محلی داشتند که بعد موقوف شد . از خصوصیات سادات که سبب نفوذ و حیثیت آنها شده بود این بود که متمصف به صفات جوانمردی و قنوت بودند یعنی سید عربشاهی معروف بود به وفای بعهده ، حفظ قول ، شجاعت گذشت ، سماحت ، حمایت از پناهنده تا پای جان خود ، خلاصه تمام صفات جوانمردی در آنها جمع بود و بحکم سنن و عادات ، ممکن نبود قدمی برخلاف جوانمردی بردارد ، سید عربشاهی اگر قولی می داد ، هر کس به آن قول اطمینان داشت . اهل محل خود را ، همسایه را ، زن و ضعیف و مظلوم را رعایت می کردند . اینها همه اسباب شده بود که اگر سادات درامری اقدام می کردند ، مردم پیروی می کردند ، بازار می بستند و همه ، اوامر آنها را بکار می بستند .

وای بحال وقتی که سادات در خانه رئیس خود به هیئت اجتماع مجتمع شوند یا با مر رئیس خانواده به مقبره عربشاه که متصل به امامزاده یحیی (۱) واقع در بازار سبزوار است و تولیت آن بواسطه همان مقبره عربشاه با سادات است (۲) بروند و در آنجا جمع شوند . متنفذترین حجة الاسلام شهر از آنها حساب میبرد . مقتدرترین حکام ، رعایت آنها را می کرد . و با رئیس این خانواده رفاقت می کرد و الاکارش پیش نمی رفت . البته سادات این نفوذ را به

بقیه در صفحه ۲۳۹

(۱) امام زاده یحیی ، که گویند از فرزندان امام هفتم موسی بن جعفر ع است .

(۲) - تقریباً تا پنجاه سال قبل سه تن از عربشاهیان به اسامی ۱ - مرحوم سید محمد رضا سلطان الواعظین عربشاهی (محرك قتل مرحوم سلطان علیشاه گنابادی) ۲ - مرحوم آقا میرزا ابوطالب رئیس (پسر آقای سید محمد باقر سبزواری استاد دانشکده الهیات تهران) ۳ - مرحوم آقا میرزا علی اکبر عربشاهی ، مشترکاً بعنوان متولی در امامزاده یحیی و مقبره عربشاه مدخله داشتند و بعد از مرگ ایشان کسی بنام متولی خاص برای این بقعه شناخته نشد امین .